

نقالی ایرانی

در سال‌های دور سرگرمی‌ها بیشتر از جنس قصه بود؛ از قصه‌های مادر بزرگ تا نقل‌های مرد نقال. داستان‌هایی که نقال تعریف می‌کند یا حماسی و پهلوانی است و یا تاریخی و مذهبی. فرهنگ و هنر ایرانی با همین داستان‌ها سینه‌به‌سینه به نسل‌های بعدی منتقل شده است. "نقالی ایرانی" با همکاری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، بنیاد فردوسی، خانه تئاتر ایران و مرکز هنرهای نمایشی تهیه شد. در ششمین اجلاس میراث معنوی ناملموس یونسکو در پاییز سال ۱۳۹۰ به‌عنوان میراث معنوی در خطر به ثبت جهانی رسید. با عالی‌گرد همراه شوید تا به دل قصه‌های ایرانی سفر کنیم.



تعریف نقالی

نقالی را جریانی فرهنگی می‌دانند که از زمان‌های دور در جامعه ایران رواج داشته است. پایه و اساس آیین نقالی همان قصه‌گویی و روایتگری است. واژه‌ی نقالی تا پیش از دوران قاجار در متون و لغت‌نامه‌ها دیده نشده است. این اصطلاح در دوران صفویه رایج شد. در گذشته با اصطلاحاتی مانند واقعه‌خوانی، قصه‌سرایی موزون، نقالی آوازی، خنیاگری، رامشگری، روضه‌خوانی، پرده‌خوانی، قوالی، معرکه‌گیری و واگوبه نیز شناخته می‌شد. نقالی در لغت به معنای کار و پیشه‌ای است و نقل به معنی چیزی را جابه‌جا کردن است که فرد نقال در آن داستانی را از جایی به جای دیگر می‌برد.



تاریخچه نقالی ایرانی

تاریخچه این آیین هنری و فرهنگی بسیار غنی است. عده‌ای ورود هنر نقالی را پس از اسلام می‌دانند. بعد از ورود قوم آریایی به فلات ایران این هنر بیش از گذشته رونق گرفت؛ داستان‌هایی همچون میترا، آناهیتا و سیاوش نشان‌دهنده عمر این هنر است. نقالی با گذر زمان دستخوش تغییر و تحول شد و علاوه بر نقل داستان‌هایی از شاهنامه، حکایت‌های اخلاقی مولانا و داستان‌هایی از خسرو و شیرین نیز به آن اضافه گردید. فردوسی در شاهنامه خود بیتی سروده که به خواندن شاهنامه منصوری در میان جمع اشاره دارد که شنوندگان نیز علاقه بسیاری به آن دارند.

همی خواند خواننده بر هر کسی
همان بخردان نیز و هم راستان

چون از دفتر این داستان‌ها بسی
جهان دل نهاده بر این داستان

پیش از اسلام

در ایران باستان خنیاگران (موسیقی‌دانان) دوره‌گردانی بودند که با ساز و آواز قصه‌خوانی می‌کردند. دردوران اشکانی این خنیاگران به نقل داستان‌های حماسی و رزمی می‌پرداختند که آن‌ها را گوسان می‌نامیدند. در دوره ساسانی هم داستان‌های قومی و ملی را با آواز برای مردم نقل می‌کردند.

پس از اسلام

در دوران اسلامی دهقانان و راویان، داستان‌های پهلوانی و کهن را بازگو می‌کردند. دوران صفویه اوج شکوفایی این هنر بود و داستان‌های شبه‌تاریخی ملی، شبه‌تاریخی مذهبی، داستان اسطوره‌ها، حماسه‌ها و داستان‌های شاهنامه روایت می‌شد. معرکه‌گیران در میدان‌ها و قصه‌گویان هم در مساجد قصه‌های انبیا و پادشاهان قدیم را برای مردم بیان می‌کردند.



نقال کیست؟

نقالان داستان‌هایی از حماسه‌های قومی، ملی، دینی و واقعه‌های تاریخی شبه‌تاریخی و مذهبی را با کلامی سنجیده و آهنگین و بیانی گرم و رسا در میان جمع مردم و در فضاهای عمومی یا محفل‌های خصوصی، نقل و روایت می‌کنند. نقالان در نقل داستان‌ها و بازنمایی واقعه‌ها و القای رخداد‌های هیجان‌انگیز استعداد و هنر فراوانی داشتند. در شیوه بیان طرز نمایش واقعه‌ها و تقلید حرکات و رفتار صاحب‌ذوق و هنر بودند. نقال از زاویه دید دانای کل یا سوم‌شخص به همه‌قصه نگاه می‌کند و چیزی از دید او مخفی و یا نامعلوم نیست. بر حسب نوع داستان و تسلط نقالان آن‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- نخست شاهنامه‌خوانان یا نقالانی که فقط داستان‌های حماسی شاهنامه را نقل می‌کردند.
- دوم نقالانی که در نقل داستان‌های تاریخی و افسانه‌ای مانند اسکندرنامه ماهر بودند.
- سوم مذهبی خوانانی که داستان‌های دینی مذهبی مانند حمزه‌نامه و حیدرنامه را بیان می‌کردند.

یک نقال چه ویژگی‌هایی دارد؟

- فن بیان و مهارت کلامی بالا
 - حافظه قوی
 - تسلط بر داستان‌های کهن حماسی، اخلاقی و مذهبی
 - توانایی بداهه‌گویی
 - توجه به حرکات و رفتار هنگام بازگوکردن داستان
 - دارای ذوق هنری
 - گفتن شوخی و لطیفه به اقتضای شعور فرهنگی جماعت مجلس
- افزون بر دارابودن خصایص برشمرده، یک نقال باید پاک مغز و چابک اندیشه باشد. شمشیربازی و کشتی و چرخ میل‌بازی و شنا و سوارکاری بداند. کلام نقال، چون کلام حکیم، باید مثل آهن محکم باشد و مانند آب روان و

بی‌پیرایه، نقالی بر مبنای استدلال نیست، تکیه آن بیشتر بر احساسات شنونده است. به‌طور کلی نقال باید بیان قوی و استوار، صدای خوش، بدن چابک و آماده داشته باشد. همچنین حفظ و تسلط بر داستان و اطلاعات به‌نحوی که در هر مجلس بتواند به‌تناسب وقت و نوع جمعیت آن‌ها را به کار ببرد از جمله ویژگی‌های مهم یک نقال است.



پوشش و ابزار نقالی

نقال معمولاً لباسی ساده بر تن می‌کند که گاهی این لباس با کلاه یا کت‌های زرهی در طول اجرای برنامه برای بازگود کردن صحنه‌های نبرد همراه می‌شود. برخی از نقال‌ها لباس‌های اصیل و سنتی ایرانی که به اقوام مختلف تعلق دارد می‌پوشند و در انتخاب نوع پوشش خود به داستان نیز توجه می‌کنند. در این میان نیز عده‌ای ترجیح می‌دهند با لباس‌های معمول خود نقالی کنند. هر نقال یک چوب تعلیمی در دست دارد که با توجه به داستان و در قسمت‌های مختلف آن به شمشیر یا شلاق تبدیل می‌شود. گاهی نیز از این چوب به‌عنوان گرز یا نیزه استفاده می‌کند. اگر نقال در حین روایت به پرده‌خوانی یا پرده‌گردانی نیز مشغول باشد با کمک این چوب تصاویر و سوژه‌ها را نشان می‌دهد.



نحوه آغاز و درون‌مایه داستان‌های نقالی

هنر نقالی برای شروع نمایش یک قصه معمولاً با یک ورودی مشخص آغاز می‌شود:

- «اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین‌گفتار روایت کرده‌اند که ...»
- یا «آورده‌اند که ...»
- «روزی روزگاری...»
- «در زمان‌های گذشته...»
- «اکنون آمدیم در حکایت...»
- «حالا چند کلامی از ... بشنوید»

داستان‌های ایرانی عامیانه یکی از بخش‌های اصلی روایت در نقالی است. سمک عیار، ابومسلم نامه، فیروز شاه نامه، مختارنامه، حسین‌گرد شبستری، چهار درویش، اسکندرنامه، امیرارسلان نامدار، رستم نامه، شاهزاده شیرویه همگی آثاری هستند که توسط نقال‌ها شنیده می‌شده است. موضوعات این قصه‌های بلند هم متفاوت است، از عشق و دلدادگی تا تاج‌وتخت و فرمانروایی. باورهای مذهبی و اخلاق یا وطن‌پرستی و عیارپیشگی از دیگر موضوعات می‌باشند. قهرمان‌ها برای رسیدن به عشق خود یا پیدا کردن دوباره آن می‌روند و سرزمین‌های زیادی را طی می‌کنند و در این مسیر با موانع مختلف مواجه می‌شوند. اما پایان همه این تلاش‌ها شیرین است و قهرمان قصه به خواسته و مقصودش می‌رسد. همه چیز به صلح و صفا ختم می‌شود.



انواع قصه در نقالی

قصه‌ها در نقالی سه نوع‌اند:

- قصه‌های شاهنامه؛ مثل داستان رستم و سهراب یا نبرد رستم با اسفندیار
- قصه‌ها و افسانه‌های تاریخی؛ مثل افسانه پهلوانان
- وقایع دینی مثل واقعه کربلا و مصیبت اهل‌بیت



چند نمونه از داستان‌های معروف نقالی

داستان سمک عیار

در این داستان خورشید شاه عاشق مه‌پری می‌شود. مه‌پری شاهزاده چینی است که خورشید شاه باید مسیر طولانی و موانع زیادی را از سر راه بردارد تا به وصالش برسد.

داستان امیرارسلان نامدار

در این قصه ارسلان عاشق مهلقا دختر روم می‌شود و تلاش می‌کند تا به او برسد.

داستان مختارنامه

در مختارنامه قهرمان داستان مختار ثقفی است که می‌خواهد انتقام شهدای کربلا را از عاملان آن بگیرد.

داستان خاور نامه

در این قصه به دلاوری‌های حضرت امیرالمؤمنین، علی علیه‌السلام پرداخته می‌شود.



پرده‌های نقاشی شده در آئین نقالی

پرده‌ها جز اصلی نمایش نقالی است. دستیار پر نقش و نگار یک نقال است که به داستان و شخصیت‌های آن شکل حقیقی می‌دهد. سال‌ها پیش در حفاری‌های تپه‌های سیلک، سفال‌هایی به دست آمد که روی آن نقوشی دیده می‌شد. نقش‌ها شبیه صفحات یک کتاب مصور، قصه می‌گفت. این قصه‌های مصور روی مفرغ‌های به دست آمده در لرستان هم دیده می‌شد. گفته می‌شود شاه اسماعیل صفوی از پرده‌های مصور عاشورایی برای حفظ روحیه سپاهیان شیعه در برابر دشمن استفاده می‌کرد.

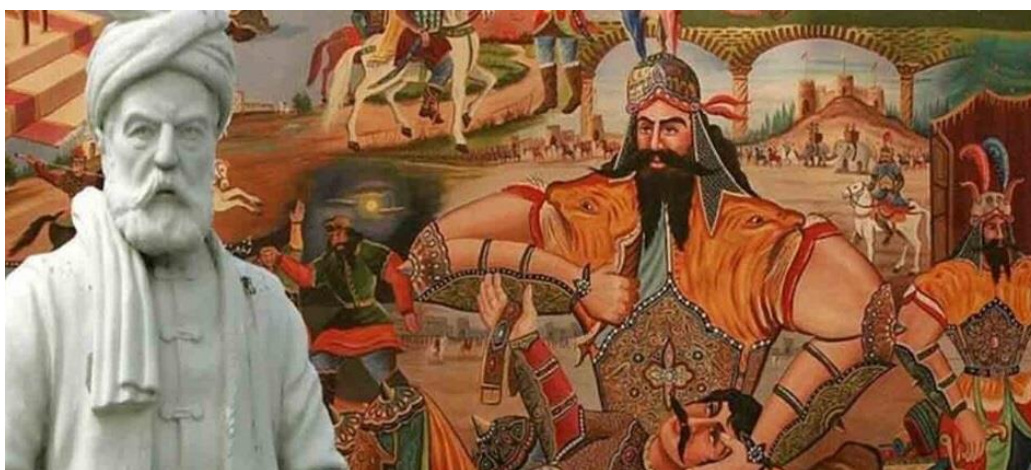
در دوره قاجار اعتقادات شیعه از جمله نقاشی شخصیت‌های مذهبی و پهلوانی، تاریخ عاشورا و مقتل سیدالشهدا و یا به تصویر کشیدن جبرئیل، سپاه اجنه بیشتر از قبل روی پرده‌ها نقاشی شد. در اواخر دوره قاجار، رنگ‌های روغنی به بازار آمد و نشست به جان پارچه‌های کتان که به وفور در دسترس بود. هنرمندان بیشتری بدون اتکا به دربار و هنر درباری به طور مستقل پرده‌های فاخر خوش‌رنگ و لعاب درست کردند. هنری بیرون آمده از دل توده مردم که نمایشگاهش مکان‌های عمومی، حسینیه‌ها و قهوه‌خانه‌ها بود.



شاهنامه و نقالی

در روزگاری که کار نقل رواج بسیار داشت، حکایت داستان‌های شاهنامه، با تاریخ قهوه‌خانه توأم است و داستان رستم و سهراب در این میان مهم‌ترین مقام را دارد به طوری که امروز نقالی در قهوه‌خانه با "سهراب کشی" مترادف است!

اما شاهنامه‌خوانی کار آسانی نبود و شاهنامه‌خوانان معمولاً خود شاعر یا ادیب بودند. رواج شاهنامه‌خوانی دلیل اجتماعی نیز داشت؛ چراکه در جامعه صفویه، گروه نظامی خاصی به نام "قزلباش" وجود داشت که وظیفه اصلی ایشان شرکت در جنگ‌ها و حفظ روحیه جنگی بود. قزلباش‌ها از جمله مشتریان دائم قهوه‌خانه بودند که طبعاً نقل‌های پهلوانی نقلان از شاهنامه، می‌توانست تأثیر بسیاری بر روحیه جنگجوی آنان بگذارد.



نقالی‌های پرطرفدار در خانواده‌ها

زمستان که می‌شد و فصل سرد می‌رسید، نقالی در خانه‌ها هم شروع می‌شد. کسی که ابیاتی از شاهنامه را از حفظ بود پیش‌قدم می‌شد و به‌نوعی برای خانواده و فامیل نقالی و شاهنامه‌خوانی می‌کرد. داستان‌ها از نیمه‌های پائیز شروع می‌شد و تقریباً تا آخر زمستان طول می‌کشید. به اصلاح شاهنامه را دوره می‌کردند، از آغاز کیومرث تا پایان شاهنامه.

جمع‌های خانوادگی بیشتر داستان زال و رودابه و قصه به‌دنیا آمدن رستم را می‌پسندیدند. داستان غم‌انگیز سهراب کشی هم خیلی رواج داشت.



مکان‌های نقالی

از مکان‌های نقالی می‌توان به سر گذرها، میدان، چهارسوهای بازار، سراها و کاروان‌سراها، صحن مساجد، زیارتگاه‌ها، تکیه‌ها و قهوه‌خانه‌ها اشاره کرد. با رونق قهوه‌خانه‌ها در دوران صفوی، آنجا به مکانی مناسب برای نقالی و شاهنامه‌خوانی تبدیل شد. در قهوه‌خانه‌ها مردم با سطح سواد پایین با آداب و منش پهلوانی آشنا می‌شدند و قهوه‌خانه‌ها نهاد فعالی در انتقال فرهنگ و ادب کهن ملی و مذهبی ایران بودند.



زنان نقال در تاریخ ایران

در شاهنامه فردوسی از نخستین زن نقال ایران در زمان ساسانیان با نام آزاده رومی یاد می‌شود که خنیاگر بهرام گور بوده و نقالی موسیقایی انجام می‌داده است.

مهم‌ترین بانوی نقال پس از اسلام، همسر فردوسی بوده که خدای نامک یا شاهنامه‌های منشور به زبان پهلوی را برای فردوسی می‌خوانده؛ در سرآغاز داستان بیژن و منیژه، فردوسی به داستان‌سرا بودن همسر خود اشاره دارد. زنان خنیاگری که با ساز و گاهی با آواز نقالی عرفانی انجام می‌دادند همچون فاطمه لره، بی‌بی تبریز اورامی، ریحان خانم لرستانی، خاتون دایراک رزبار

زنانی که با ساز عود، چنگ، دف و نقاره آواز نقالی انجام می‌دادند همچون دنانیز، مهستی گنجه‌ای، فاطمه قوال، فردوس مطربه، ملا فاطمه بزرگ‌ترین نقال زمان کریم‌خان زند که بیست هزار بیت شعر را حفظ بود.



زنان و مردان نقال در ایران و جهان در سال‌های اخیر

- مینا صارمی، نخستین بانوی نقال ایران که در جشنواره آیینی سنتی به اجرای نقالی پرداخت.
- ساقی عقیلی، شقایق رهبری، شیرین امامی و زیبا عابدی، نخستین بانوان نقال ایران که به طور هم‌زمان در جشنواره استان تهران، نقالی کردند.
- ساقی عقیلی، نخستین بانوی نقال مقیم ایران بوده که به دعوت اروپاییان در می ۲۰۰۸ در کشور ایتالیا نقالی کرد.
- آرام قاسمی نخستین نقال ایران که از ویدئو پروجکشن در نقالی خود استفاده کرد.
- مرشد ولی‌الله ترابی
- مرشد خوشحالپور (مرشد بستور)

- مرشد ابوالفضل ورمزیار
- مرشد مهدی چایانی



نقالی در معرض فراموشی

آئین نقالی به‌عنوان یک آئین ایرانی از دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ به بعد کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شد. زندگی ایرانی به سمت فرهنگ غرب رفت و انواع سرگرمی‌ها نوظهور به زندگی ایرانیان وارد شد. می‌توان گفت نقالان به‌نوعی حافظان فرهنگ عامیانه، داستان‌های حماسی و قومی و موسیقی فولکلور ایران به شمار می‌روند. از آنجاکه محل اجرای آن‌ها بیشتر در قهوه‌خانه‌ها و کاروان‌سراها بوده از دهه ۱۳۷۰ با از بین رفتن این مکان‌ها هنر نقالی نیز رو به نابودی است.

سخن پایانی

مردمی که پای نقل نقالی می‌نشینند از زندگی سخت و درگیری‌ها و آشفتگی‌های روزمره بیرون می‌آید و برای ساعتی به دنیای پر از خیال و آرمان قصه وارد می‌شوند. در دنیای قصه چرخ می‌زنند و لحظه‌های پر از بالا و پایین قهرمان را تجربه می‌کنند و با شادی‌ها و لذت‌های او همراه می‌شوند. فرقی نمی‌کند در کدام عصر و دوره‌ای زندگی می‌کنید، نقالی می‌تواند آدم‌های قرن‌ها پیش را به شما گره بزند.

در تنظیم این مقاله از منابع زیر استفاده شده است:

<https://weblight.ir/>
<https://www.karnaval.ir/>
<https://torbeh.com/>
<https://www.iranhotelonline.com/>
<https://www.kojaro.com/>

تهیه و تنظیم: آيسان پژوهان فر